

ترکس‌عاشقوری

خبرنگار

هر یک از دست‌اندرکاران سینما خاطرات و نکاتی دارند که می‌تواند روشنگر زوایای مختلف تاریخ سینما باشد. برای دستیابی به تاریخی مستند و کامل از سینمای کشورمان لازم است تمام آنچه در حافظه و خاطره دست‌اندرکاران سینما پنهان است، ضبط و ماندگار شود. موزه سینما به همین منظور و در راستای وظیفه خود برای نگهداری، ثبت و ضبط آثار و رویدادهای تاریخ سینمای ایران از اردیبهشت سال ۸۶ طرح تاریخ شفاهی سینمای ایران را اجرا کرد. با اجرای این طرح هنرمندان زیادی در فضای صمیمی و قابل اعتماد از خصوصی‌ترین مسائل تان‌فی‌ترین امور کاری‌شان نکاتی را بیان کردند که اگر بازگو نمی‌شد، بخش زیادی از این خاطرات یا بخشی از تاریخ سینما زیر خاک می‌رفت. اجرای این پروژه مهم پس از چند سال وقفه به‌تازگی دوباره در موزه سینما از سر گرفته شده است. ابوالحسن داوودی، فاطمه معتمدآریا، مهدی هاشمی، محمدمهدی عسگرپور، جمال ساداتیان، ابوالفضل پورعرب، کیومرث پوراحمد، افسانه بایگان، آریتا حاجیان، فرهاد توحیدی، فریدون جیرانی، همایون اسعدیان، بهزاد فراهانی و... از جمله اهالی سینما هستند که در گفت‌وگوی ویدیویی درمورد پیچیده‌ترین تا آشکارترین رویدادهای سینمایی و زندگی‌نامه‌شان صحبت کرده‌اند. به‌تازگی نشر بخش‌هایی کوتاه و گزیده و مناسبتی از گفت‌وگوهای قدیمی این پروژه توسط موزه سینما به مناسبت‌های مختلف از جمله زاروز یا در گذشت چهره‌های شناخته شده نشان می‌دهد که هرکدام از این گفت‌وگوها تا چه میزان پتانسیل آن را دارد که به گنجینه‌ای برای

شناخت نسل‌های بعدی و تکمیل پازل تاریخ سینما تبدیل شود. **فریدون فریمساز** و منتقد سینما درباره اهمیت این اقدام و ثبت تاریخ شفاهی سینما می‌گوید: «ایران» می‌گوید: «تاریخ شفاهی سینما باید ثبت و نگهداری شود. موزه سینما جایگاه ثبت همین اسناد است. لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت تاریخ شفاهی را جدی بگیرد و بودجه ویژه‌ای برای آن



فریدون جیرانی از اهمیت ثبت تاریخ شفاهی در سینما می‌گوید



چراغی روشن برای زوایای تاریخ سینما

مصاحبه آمدند و برخی هم حاضر به گفت‌وگو نبودند. اگر اشتباه نکنم در قرار نیست این مصاحبه‌ها منتشر شود بلکه هدف این است که آرشیو جامعی از تاریخ سینما در موزه سینما ایجاد شود. این فیلمساز با اشاره‌ای گذرا به تاریخچه چندساله این پروژه می‌گوید: «از سال‌های آغازین تأسیس موزه سینما منتقدان سینما از جمله جمال امید و بعدها زاون قوکانیان، جواد طوسی، عباس بهارلو و... به دنبال ثبت تاریخ شفاهی سینما بودند. جمال امید با خیلی‌ها رایزنی کرد. عده‌ای برای

اختصاص باید. محدودیتی هم برای افراد مصاحبه‌شونده قائل نشود. چون قرار نیست این مصاحبه‌ها منتشر شود بلکه هدف این است که آرشیو جامعی از تاریخ سینما در موزه سینما ایجاد شود. این فیلمساز با اشاره‌ای گذرا به تاریخچه چندساله این پروژه می‌گوید: «از سال‌های آغازین تأسیس موزه سینما منتقدان سینما از جمله جمال امید و بعدها زاون قوکانیان، جواد طوسی، عباس بهارلو و... به دنبال ثبت تاریخ شفاهی سینما بودند. جمال امید با خیلی‌ها رایزنی کرد. عده‌ای برای

مصاحبه آمدند و برخی هم حاضر به گفت‌وگو نبودند. اگر اشتباه نکنم در قرار نیست این مصاحبه‌ها منتشر شود بلکه هدف این است که آرشیو جامعی از تاریخ سینما در موزه سینما ایجاد شود. این فیلمساز با اشاره‌ای گذرا به تاریخچه چندساله این پروژه می‌گوید: «از سال‌های آغازین تأسیس موزه سینما منتقدان سینما از جمله جمال امید و بعدها زاون قوکانیان، جواد طوسی، عباس بهارلو و... به دنبال ثبت تاریخ شفاهی سینما بودند. جمال امید با خیلی‌ها رایزنی کرد. عده‌ای برای

شوند چون قرار نیست منتشر شود بلکه هدف ثبت کامل تاریخ شفاهی و آرشیو آن در موزه سینما است. با تمام هنرمندانی که برای سینمای کشور کار کرده‌اند، چه آنهایی که خارج از کشور هستند و داخل کشور گفت‌وگو شود. منعی وجود نداشته باشد. باید زودتر سراغ افرادی رفت که ممکن است چند سال دیگر حافظه‌شان یاری نکند. چهره‌هایی در سینمای امروز داریم که خیلی مهم هستند و باید مصاحبه تمام‌عیار از آنها داشته باشیم. ابراهیم خاتمی‌کیا، مجید مجیدی، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، کیانوش عیاری، جعفر پناهی و... لازم است خاطراتشان ثبت شود. این مصاحبه‌ها، روایت زندگی اهالی سینما و تاریخ سینماست و قرار نیست منتشر شود. می‌تواند آرشیو گرانبهایی شود برای نسل‌های آینده تا هنرمندان پیشین چه کار کرده‌اند و چطور کار کرده‌اند.»

جیرانی در عین حال تأکید می‌کند که لزوماً قرار نیست از قول مشاهیر و چهره‌ها تاریخ سینما ثبت شود بلکه با تمامی کسانی که به‌نحوی در فعالیت‌های متنوع تولید و نمایش سینما حضور داشتند باید مصاحبه شود: «کارگرهای صحنه و کارگران لابراتوار و دستیاران فیلمبردار زیادی داریم که با وجود سن بالا و تجربه زیاد هیچ گفت‌وگویی نداشته‌اند. آنها حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. سیاهی‌لشگرهایی داریم که امروز دستفروشی می‌کنند و خاطرات درخشانی از فیلم‌ها دارند.»

او در پایان تأکید می‌کند که گر چه مرگ خبر نمی‌کند اما اولویت باید با افرادی باشد که سن و سال بیشتری دارند؛ آدم‌هایی که سابقه بیشتری دارند و این سابقه می‌تواند بخشی از تاریخ سینما را روشن کند.

او در پاسخ به این سؤال که چه مؤلفه‌هایی برای انتخاب چهره‌ها باید مدنظر قرار بگیرد، توضیح می‌دهد: «این مصاحبه‌ها باید بدون حساسیت و اعمال محدودیت ضبط

تاریخ یک تماشاخانه بر صحنه

محسن بوالحسنی

خبرنگار



«تئاتر سعدی، تابلستان سی و دو» اما روایت تلخی نیست و تلخی‌های یک دوره تاریخی در بستری کم‌دی و به‌صورت چندلایه بر پایه روابط این گروه و اتفاقاتی که در حین تمرین و... شکل می‌گیرد و همه آنها با حوادث سیاسی تلاقی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال بخش اول نمایش که به عادات، گفتار و رفتار اعضای گروه مربوط می‌شود، یک کم‌دی مبتنی بر هرج و مرج با درآمیزه‌ای از کم‌دی رفتاری است و دروجه دوم زمانی که بازیگران در حال تمرین «باغ آلبالو» هستند به یک کم‌دی موزیکال تبدیل می‌شود. کارگردان در اثر خود، از لهجه‌های فارسی، ترکی، شمالی و حرکات و اشعار زورخانه‌ای استفاده می‌کند. حسین کیانی نویسنده و کارگردان

«تئاتر سعدی، تابلستان سی و دو» اما روایت تلخی نیست و تلخی‌های یک دوره تاریخی در بستری کم‌دی و به‌صورت چندلایه بر پایه روابط این گروه و اتفاقاتی که در حین تمرین و... شکل می‌گیرد و همه آنها با حوادث سیاسی تلاقی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال بخش اول نمایش که به عادات، گفتار و رفتار اعضای گروه مربوط می‌شود، یک کم‌دی مبتنی بر هرج و مرج با درآمیزه‌ای از کم‌دی رفتاری است و دروجه دوم زمانی که بازیگران در حال تمرین «باغ آلبالو» هستند به یک کم‌دی موزیکال تبدیل می‌شود. کارگردان در اثر خود، از لهجه‌های فارسی، ترکی، شمالی و حرکات و اشعار زورخانه‌ای استفاده می‌کند. حسین کیانی نویسنده و کارگردان

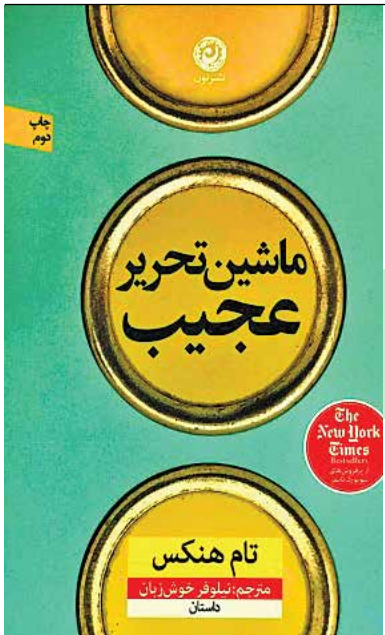
«تئاتر سعدی، تابلستان سی و دو» اما روایت تلخی نیست و تلخی‌های یک دوره تاریخی در بستری کم‌دی و به‌صورت چندلایه بر پایه روابط این گروه و اتفاقاتی که در حین تمرین و... شکل می‌گیرد و همه آنها با حوادث سیاسی تلاقی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال بخش اول نمایش که به عادات، گفتار و رفتار اعضای گروه مربوط می‌شود، یک کم‌دی مبتنی بر هرج و مرج با درآمیزه‌ای از کم‌دی رفتاری است و دروجه دوم زمانی که بازیگران در حال تمرین «باغ آلبالو» هستند به یک کم‌دی موزیکال تبدیل می‌شود. کارگردان در اثر خود، از لهجه‌های فارسی، ترکی، شمالی و حرکات و اشعار زورخانه‌ای استفاده می‌کند. حسین کیانی نویسنده و کارگردان

قصه‌های آقای بازیگر

تام هنکس را با بازی‌های عالی‌اش می‌شناسیم و فیلم‌هایی مانند «فارست گامپ» و «مسیر سبز» که همیشه تماشاگرش را غافلگیر کرده است. اما این بار هنکس شما را با قصه‌هایش غافلگیر می‌کند. با مجموعه داستان «ماشین عجیب». او سال‌هاست داستان می‌نویسد و نوشته‌هایش در نیویورک تایمز و مجله نیویورکر منتشر می‌شدند اما سال ۲۰۱۷ این مجموعه داستان به عنوان نخستین کتاب او منتشر شد و خیلی زود هم طرفدار پیدا کرد. «ماشین تحریر عجیب» ۱۷ داستان کوتاه دارد که به هم بی ربط هستند اما در هر داستان ماشین تحریری است که در نهایت و در اوج بی‌ربطی خواننده احساس می‌کند داستان‌ها را چون نخ تسبیح به هم مربوط کرده است. جالب است بدانید که ماشین تحریر وسیله مورد علاقه تام هنکس است و کلکسیونی از آنها دارد و نوشتن این مجموعه داستان با حضور ماشین تحریرها از همین علاقه سرچشمه گرفت.

قصه‌های «ماشین تحریر عجیب» در زمان‌های مختلف اتفاق می‌افتد و هر کدام از آنها زندگی امریکایی‌ها را در آن دوره بخوبی به تصویر می‌کشد. هنرمندی هنکس در روایت جزئیات و استفاده درست از آنها باعث شده داستان‌هایی جذاب بخوانید و از جزئیاتی که شاید به نظر زیاد باشند خسته نشوید.

قصه‌های «ماشین تحریر عجیب» ساده هستند و بدون پیچیدگی خاصی اما در عین حال جذابیت شخصیت‌ها و آن نخ تسبیح دوست داشتنی پیچ و خم‌هایی به داستان‌ها می‌دهد که می‌توانید یک نفس کتاب را بخوانید و در نهایت با خودتان بگویید: هنکس نه تنها بازیگر خوبی است که داستان گوی ماهر هم هست.



■ ماشین تحریر عجیب
■ نویسنده: تام هنکس
■ مترجم: نیلوفر خوش‌زبان
■ نشر: نون

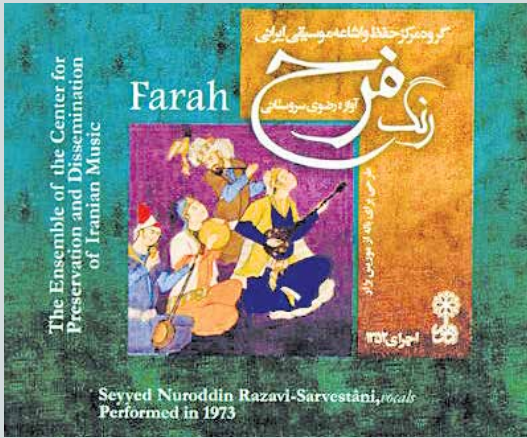
«رنگ فرح» به یاد خواننده نامدار شیرازی

نداسجانی

خبرنگار

«در به سماع آمده‌است از خبر آمدند، خانه غزل‌خوان شده از زمزمه در زدنت...» شعری زیبا به سروده حسین منزوی که سال‌ها قبل مهدی آذرسینا این تصنیف معروف را با صدای رضوی سروستانی در دستگاه سه‌گاه ساخت و از آثار مشهور این خواننده است و بی‌تردید این کار نام رضوی سروستانی را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداخت. از دیگر کارهای زیبا و شنیدنی این خواننده آلبوم «رنگ فرح» است که در سبک موسیقی سنتی بوده و دارای ۱۰ قطعه «آواز بیات اصفهان»، «صوفی‌نامه»، «تکنوازی سه‌تار»، «رنگ فرح، دستگاه همایون»، «تکنوازی تمبک»، «تکنوازی کمانچه، مخالف سه‌گاه»، «آواز، مثنوی مخالف سه‌گاه»، «تکنوازی نی، دستگاه سه‌گاه»، «آواز، دستگاه سه‌گاه» و «گروه‌نوازی، مخالف سه‌گاه» است. اثری با حضور استادان و نوازندگانی چون جلال ذوالفنون، مرتضی اعیان، داریوش طلایی، داود گنج‌های، محمدعلی حدادیان، مارتا مانی‌زاده و جمشید شمیرانی و با اشعاری از حافظ شیرازی، سعدی و عطار نیشابوری که سال ۱۳۸۲ از سوی مؤسسه فرهنگی هنری ماهور منتشر شد و به علاقه‌مندان این سبک از موسیقی و صدای خوش الحان این خواننده شیرازی پیشنهاد می‌شود. سید نورالدین رضوی سروستانی آوازخوان و نوازنده، ۲۱ فروردین ماه به سال ۱۳۱۴ در سروستان فارس متولد شد و از ۲۰ سالگی نزد مشیرمعظم افشار در شیراز آموزش موسیقی را آغاز کرد و این علاقه‌مندی موجب شد برای ادامه این مسیر راهی تهران شود (۱۳۳۶) و از محضر استادان بزرگی همچون مرتضی محجوبی، احمدعبادی، رضا فروتن، سلیمان امیرقاسمی، علی اکبر شهنازی، اصغر بهاری و نورعلی خان برومند بهره‌برد و برای نخستین بار در سال ۱۳۳۷ صدای او از آلبوم شیراز پخش گردید. رضوی سروستانی طی سال‌های فعالیت هنری‌اش با هدف گسترش و شناساندن موسیقی اصیل ایرانی با گروه‌های موسیقی چون شیدا، سمعی، درویش و مولوی همکاری داشته که حاصل آن برگزاری کنسرت‌های متعدد با اساتید صاحب‌نامی همچون فرامرز پایور، حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان است و تولید آثار فاخر موسیقی ایرانی همچون «عارف و شیدا» و تصنیف «بیات‌نار گارمن» و «سلسله موی دوست». جالب است بدانید رضوی سروستانی سال ۱۳۵۵ از پادشاه بلژیک مدرک دکترای افتخاری موسیقی دریافت کرد. این خواننده تا اوایل دهه هفتاد در شیراز به تربیت شاگردان پرداخت و بعد از آن به تهران رفت و ضمن تدریس آواز، در برخی از مجامع هنری از جمله مرکز موسیقی وزارت ارشاد به‌عنوان مشاور و کارشناس امور آواز و داور چند جشنواره به ارائه خدمت هنری پرداخت. صدیق تعریف و علیرضا قربانی، حسین علیشاپور و پوریا اخوان از جمله شناخته‌شده‌ترین شاگردان او به‌شمار می‌روند. این هنرمند ۸ اردیبهشت سال ۱۳۷۹ چشم از جهان فروپست و در مراسم بزرگداشت او که در تالار وحدت برگزار شد، استاد محمدرضا شجریان درباره‌اش سخن گفت و برایش آواز خواند.

■ رنگ فرح
■ رضوی سروستانی
■ ناشر ماهور
■ سال ۱۳۸۲



کافه‌ما

